

چندجانبه‌گرایی  
و نگاه به شرق را  
می‌توان در زمره  
سازوکارهای  
قدرت‌ساز برای  
مقابله با تهدیدات  
دانست. ایران،  
چین و روسیه  
از انگیزه لازم  
برای مقابله با  
تهدیدات هویتی  
و ژئوپلیتیکی  
مشترک  
برخوردارند.

چندجانبه‌گرایی خواهد بود. چندجانبه‌گرایی به مفهوم انعطاف‌پذیری و «آزادی عمل» کارگزاران سیاست خارجی برای کنش‌گری در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. طبعاً چندجانبه‌گرایی ارتباط مستقیم با نشانه‌هایی همانند سیاست قدرت و منافع ملی دارد. بنابراین هرگونه همکاری اقتصادی، تکنولوژیک و راهبردی ایران با سایر کشورها نه تنها مغایرتی با «اهداف بنیادین» جمهوری اسلامی ندارد، بلکه می‌توان از آن به عنوان یکی از سازوکارهای بهینه‌سازی و «بازتولید گفتمان» سیاست خارجی ایران در ساختار نظام بین‌الملل و در راستای «بهینه‌سازی منافع ملی» دانست. چندجانبه‌گرایی از این جهت اهمیت دارد که دولت‌ها با کمک سازوکارهای دیپلماتیک خود به عنوان کاتالیزوری برای ارتقای قدرت ملی جهت تأثیرگذاری بر مسائل بین‌المللی از آن استفاده می‌کنند. اتکا بر سنت و نهادها به جای تکیه بر ظهور گاه و بی‌گاه افراد برجسته، تداوم کیفیت دیپلماسی را به بهترین نحو تضمین می‌کند. نهادها نقش تعیین‌کننده در ارتقای قدرت ملی کشورها دارند. هر حکومت نیازمند موازنه میان منابع مادی، انسانی و عناصر قدرت ملی از جمله دیپلماسی است که در فضای دیپلماسی چندوجهی از طریق سیاست خارجی پیگیری می‌شود. موازنه منابع و حمایت مردمی از سیاست خارجی در زمره عناصر اصلی دیپلماسی چندوجهی خواهد بود.

بازتولید سیاست خارجی نیازمند درک دقیق ساختاری و بهینه‌سازی ابزارهای قدرت خواهد بود. هرگاه صحبت از سیاست بین‌الملل مطرح می‌شود، ضرورت بهره‌گیری از ابزارها و الگوهای مختلفی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در حوزه سیاست خارجی یک کشور تلاش می‌کند تا از طریق دیپلماسی رسمی به کنش متقابل با سایر بازیگران مبادرت نماید؛ در حالی که بهره‌گیری از چنین فرایندی در حوزه سیاست بین‌الملل نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای مختلفی در قالب چندجانبه‌گرایی می‌باشد. چندجانبه‌گرایی سیاست خارجی ایران در دوران‌های مختلف براساس نشانه‌هایی از «عمل‌گرایی»، «مصالحه‌گرایی» و «مشارکت معطوف به هدف» بازتولید شده است. تحلیل‌گرانی همانند گراهام فولر و روح‌الله رمضانی در مطالعات خود به این جمع‌بندی رسیده‌اند که روندهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی با «فرهنگ سیاسی ایران» پیوند و هم‌بستگی بیشتری در مقایسه با سال‌های حکومت پهلوی اول و دوم که دولت مدرن در ایران شکل گرفته، داشته است. روندهای سیاست خارجی ایران در سال‌های گسترش بحران خاورمیانه نیز براساس نشانه‌هایی از آرمان‌گرایی و پیوند آن با عمل‌گرایی حاصل شده است.

چندجانبه‌گرایی بخشی از سازوکارهای مربوط به تحریک دیپلماتیک برای حداکثرسازی منافع ملی در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل است. «سیاست نگاه به شرق» بخشی از راهبرد دفاعی، امنیتی و سیاست خارجی چندجانبه‌گرا محسوب می‌شود. به همان‌گونه‌ای که قدرت‌های بزرگ از یک‌جانبه‌گرایی برای قابلیت ایران بهره می‌گیرند، جمهوری اسلامی نیز ناچار خواهد بود تا چندجانبه‌گرایی را در چارچوب سیاست نگاه به شرق تبیین، سازماندهی و به مرحله اجرا گذارد.